



یادداشت‌های داروخانه

دکتر فریدون سیامک‌نژاد

مقدمه

صبح که از خانه بیرون می‌زینم، تا راهی محل کار شویم، با افراد زیادی برخورد می‌گیریم و روبرو می‌شویم که هر کدامش می‌تواند برای انسان خاطره‌انگیز باشد. از برخورد احتمالی با رفته‌زنیکش محله گرفته تا دیدن کسانی که هر یک بهدلیلی سر راهمان قرار می‌گیرند و ممکن است اگر قدیمی محل باشیم، سلام و علیکی هم با ما داشته باشند. از وقتی سوار وسیله نقلیه عمومی اعم از اتوبوس، مترو یا تاکسی می‌شویم تا زمانی که آن را ترک می‌گیریم، کسانی را می‌بینیم و حرف‌هایی می‌شنویم که هر کدام آن‌ها می‌تواند خاطره‌ای برایمان باشد، یا خاطره‌ای را از زمان‌های دور برایمان زنده کند. به محل کار هم که می‌رسیم و کار را شروع می‌گیریم، بستگی به نوع کاری که داریم، همه‌اش می‌تواند تداعی‌کننده مسئله یا احیاناً خاطره‌ای باشد. حالا اگر کارمان طوری باشد که ارتباط مستقیم با مردم داشته باشیم، به اندازه تفاوت بین انسان‌ها و مردمی که برای کارشان به ما مراجعه می‌کنند، می‌توانیم حرف برای گفتن داشته باشیم و خاطره برای بازگو کردن.

با این صغیری و کبری چیزی‌ها می‌رسیم به این که داروخانه از جمله مکان‌هایی است که کارکردن در آن، یک دنیا حرف برای گفتن و یک سینه خاطره برای بازگو کردن دارد. بنابراین، تصمیم گرفتم تا مسایل بوجود آمده در داروخانه را تحت عنوان «یادداشت‌های داروخانه» قلمی کنم. مطالبی که در بی‌می‌آید، حاصل این تلاش و نتیجه حضور در داروخانه در برخورد با بیماران و مسایل جاری داروخانه است. تا چه قبول افتاد و چه در نظر آید.

یادداشت ۱

خانمی بچه یک ساله اش را بغل کرده بود و از تکنیسین داروخانه «دوا سیاه» یا همان «ایکتیول» می خواست تا روی قرمزی کار دهانش بگذارد! پیرزنی که کنار او ایستاده بود، قبل از این که من چیزی بگویم، با تعجب او را از این کار منع کرد و رو به من گفت: آقای دکتر! شما یک چیزی بگویید! کار پیرزن را راه انداختم و بعداً خطاب به خانم بچه به بغل گفتم: پماد «ایکتیول» یا همان «دوا سیاه» معروف برای قرار دادن روی دمل های چرکی است تا به دلیل کراتئولیتیک بودن، باعث شود تا دمل سر باز کرده، و چرک داخل آن خارج شود و بیمار بهبودی یابد.

یادداشت ۲

از جای خود در صف اول نماز جماعت مسجد بلند شد آمد کنار من و دو ورق قرص، یکی قرص لوراتادین و دیگری قرص دیفنوکسیلات را نشان داد و از اثرهای آن ها پرسید؟

برایش شرح دادم که قرص لوراتادین دارویی آنتی‌هیستامین یا ضدحساسیت است و قرص دیفنوکسیلات برای جلوگیری از اسهال است. بدون این که از نحوه مصرف آن ها بپرسد، با خودکارش روی هر کدام نوشته و تشکر کرد و خواست به سر جای خودش در صف نماز برگردد که گفتم: یادتان باشد، وقتی به داروخانه آمدید، ویزیت این طبابت را از شما بگیرم!

لبخندی زد و گفت: به روی چشم، ولی به جای ویزیت، شما را دعا می کنم که همیشه همین طور

در خدمت بیماران باشید.

یادداشت ۳

تا قبل از اضافه شدن داروی «لوپرامید» به فهرست دارویی ایران، اگر کسی به داروخانه برای یک اسهال ساده مراجعه می کرد و از دکتر داروساز مشاوره دارویی می خواست، در حد سؤال نکیر و منکر در شب اول قبر! سین جیم شده و دست آخر یک ورق ده عددی قرص دیفنوکسیلات به او داده می شد! توصیه هم می شد که اگر با خوردن قرص ها، اسهال او خوب نشد، به پزشک مراجعه کند.

فردی به داروخانه مراجعه کرد، یک بلیستر خالی لوپرامید را نشان داد و درخواست برای اسهال همسرش داشت. چند وقتی بود که در بازار نبود و مریض مشابه آن را درخواست کرد.

خندام گرفت که باید این بار بدون سین جیم های مکرر، بدون وقفه به او دیفنوکسیلات بدهم! حالا اگر این مریض قبلاً برای دیفنوکسیلات در داروخانه بازجویی پس داده باشد، چه می شود!

یادداشت ۴

یک بلیستر خالی قرص ناپروکسن ۵۰۰ میلی را جلویم گرفت و گفت: یک بسته از این دارو بدهید. ضمناً اشاره کرد که باید هر ۸ ساعت یک قرص خورده شود؟

به ایشان تذکر دادم که مقدار مصرف این دارو روزی یکی است و زیادی آن برای دستگاه گوارش ضرر دارد!

ورزش پیاده روی داشته باشد و نمک کم بخورد.
ضمناً یادآوری کردم که از کم خوری کسی
تا به حال طوری نشده، بلکه همه مریضی‌ها از
پُرخوری به وجود می‌آید!

• یادداشت ۶ •

از داروهای داخل سبد، یک بسته دارو را برداشت
و پرسید: آقای دکتر! زیاد خوردن این دارو ضرر
ندارد؟

گفتم: خانم، غذای روزانه را هم اگر زیاد بخورید،
ضرر دارد و دچار سوء‌هاضمه می‌شوید. دارو اگر
به اندازه و طبق دستور پزشک یا توصیه داروساز
صرف شود، ضرر ندارد که هیچ، فایده هم دارد.
در ادامه به ایشان توصیه کردم که همیشه دارو
را طبق دستور پزشک یا با مشاوره داروساز مصرف
کند و هیچ‌گاه سر خود، میزان آن را کم یا زیاد نکند!
ضمناً به ایشان یادآوری کردم که نظم در
خوردن دارو، نقش مهمی در بهبودی سریع و بهتر
بیماری دارد.

مراجعةه کننده خیلی خونسرد گفت: آخه آقای
دکتر! مریض ما خیلی مشکل دارد و زیاد درد
می‌کشد!

به ایشان گفتم اگر کسی خیلی گرسنه باشد، باید
به جای یک پرس غذا، مثلاً سه پرس غذا بخورد?
اصلاً اگر بخواهد هم می‌تواند؟
مکنی کرد و ظاهرًا قانع شد و تشکر کرد و رفت.

• یادداشت ۵ •

از مراجухه کنندگان دائمی داروخانه و از دوستان
است. وارد داروخانه شد و بعد از چاق سلامتی با
من، راجع به فشارخونش مشورت می‌خواست.
عنوان کرد که دکتر قلبش خارج از کشور است و به
او دسترسی ندارد. احساس می‌کند که فشارخونش
علی‌رغم خوردن دارو زیاد است و می‌خواست
بداند آیا می‌تواند قرص متورال ۵۰ میلی‌گرمی
را که روزی نصف قرص می‌خورد، برای کنترل
فشارخونش به یک قرص در روز افزایش دهد؟
افزایش مقدار مصرف دارویش را توصیه نکردم
و جایز ندانستم، در عوض به او پیشنهاد کردم که